

گزارش

جنجال تازه خانه سینما به رادیو کشید



برنامه این هفته «سینما معیار» رادیوگفت‌وگو به حواشی انتخاب اعضای جدید شورای صنفی نمایش اختصاص داشت. سه تن از تهیه کنندگان برنامه ابوالحسن داودی، حسین فرحبخش و مرتضی شایسته، در آن حضور داشتند. در ابتدای برنامه ابوالحسن داودی، کارگردان سینما در گفت‌وگو با امیرعباس صباغ، مجری و سردبیر برنامه گفت: «اتفاقاتی که در این جلسه رخ داد اختلافات قدیمی را دوباره زنده کرده و یک بازی باخت-باخت برای دولت و صنف است که نتیجه آن را در دوره شمدردی که اختیارات بیشتری هم داشت، دیده‌ایم.» وی در ادامه گفت: «به‌نظرم اگر این غائله زودتر ختم نشود حوادث ناگواری رقم می‌خورد.» داودی در ادامه با بیان اینکه بین بشین، بفرسا و بتمرگ خیلی فرق وجود دارد، گفت: «حتی اگر حقی هم باشد، چگونه مطرح کردن آن خیلی مهم است و من فکر می‌کنم این مساله می‌توانست با احترام بیشتری همراه باشد و درآستانه رسیدن به سال ۱۴۰۰ که تمام مناسبات سینما درحال دگرگونی است، چنین برخوردی با اهالی سینما توهین آمیز است و فکر می‌کنم با این نگاه که حق را کامل برای خود بدانیم این دعوای حیدری-نعمتی تا ابد ادامه خواهد داشت.»

بعد از داودی، حسین فرحبخش تهیه کننده سینما در پاسخ به این اظهارات گفت: «نظرات من نظرات روز دنیااست اما دوستان نمی‌خواهند آن را ببینند، انتظامی بارها شورای عالی تهیه کنندگان را دعوت کرده و گفته یکپارچه شوند و دوستان داخل جلسه با این موضوع موافقت کرده اما در جلسات بعدی که بین خودمان برگزار می‌شود، آن را رد می‌کردند! سوال من از داودی و دیگر دوستان این است که آیا شما می‌پذیرید همین امروز دعای کارگردان که مخالف کانون کارگردانان هستند یک شکل صنفی دیگر تشکیل دهند و خواهان حق رای باشند! من این نگاه را یک‌جور باج‌خواهی و سوءاستفاده می‌دانم.» فرحبخش در ادامه با انتقاد شدید از عملکرد دولت و خانه سینما در نیمه دوم دهه هشتاد گفت: «قدرتی که اتحادیه تهیه کنندگان تا سال ۸۵ داشت دولت را وادار کرد با هماهنگی میرکرمی و اربابی و جعفری جلوه میان تهیه کنندگان اختلاف انداخته و آنها را چهارپاره کند و دولت هم از این وضعیت نهایت سوءاستفاده را کرد و به نظرم چنین شرایطی نه تنها مطلوب انتظامی که مطلوب هر دولتی است، چون کسی نمی‌تواند حرفی به آن بزند و خانه سینما هم که همواره اتحادیه تهیه کنندگان را رقیبی برای خود می‌داند، از این شکاف استقبال می‌کند.» فرحبخش با تأکید بر اینکه در شورای صنفی به دنبال منافع صنف تهیه کنندگان خواهد بود، گفت که من آرزوی می‌کنم همین فردا هر چهار صنف یکی شوند و من کنار بروم و حتی با حکم رئیس جمهور هم به جلسه نمی‌روم. در بخش پایانی برنامه، مرتضی شایسته با انتقاد از همایون اسعدیان، رئیس هیات‌مدیره خانه سینما گفت: «از اسعدیان که از دوستان من است این گله را دارم که چرا قبل از نگارش این نامه یک رنگ به من نزد تا اصل ماجرا را بپرسد. من حتی تاریخ برگزاری جلسه را نمی‌دانستم و به اشتباه مرا دعوت نکرده بودند و روز برگزاری جلسه به من رنگ زدند و با تاخیر حدود یک ساعت به جلسه رفتم و نظر خودم هم انتخاب فرجی یا فرحبخش به عنوان رئیس شورا بود که موردتأیید قرار نگرفت و به نظرم حالا همه باید نتایج انتخابات را بپذیریم و فکر می‌کنم مساله اکران ارتباطی به خانه سینما ندارد و موضوعی بین تهیه کننده، پخش کننده و سینمادار است. در سال‌های گذشته خانه سینما به عنوان ناظر حضور داشته و حالا تشخیص داده‌اند که در رویه تغییری به وجود بیایند.» شایسته در انتهای برنامه درخصوص آخرین وضعیت اکران صدسال به این سال‌ها گفت که اکران آنلاین فیلم منتظر امضای نهایی صالحی وزیر ارشاد است که امیدوارم بتوانیم به‌زودی فیلم را به نمایش درآوریم.

شرح رخداد

مهندس برومند یا مهندس حامدی (همسر ابراهیم حامدی) روز ۲۵ اردیبهشت پستی را با هدف همدردی با حادثه ناوچه دریایی منتشر می‌کند و در آن به همه مسائل بی‌ربط و باریط روز و گذشته اشاره می‌کند و در نهایت، این اتفاقات را به هنرمند ربط می‌دهد و می‌نویسد: «آیا هنرمند نتیجه حکومت است؟ یا چنین جامعه‌ای به هنرمند آگاه نیازمند است؟ آیا هنرمند حق دارد در جامعه‌ای که بر روی شبکه عقبماندگی که از باروت مذهب پر شده، کبریت حریق افروز باشد؟ دیدن این بیت بر صفحه یک آرتیست نفس را در سینه حبس می‌کند «با یدالله و با تیغ علی ذوالفقار...سینه گردنکشان...اخن دهد می‌درم» از مجموعه کلمات این بیت بسوی تعفن عقبماندگی و وحشیگری می‌بارد.» اشاره مهندس حامدی به بیستی است از ترانه قطعه «او» از محسن چاوشی که نیمه شعبان منتشر و در شب اول قدر توسط چاوشی بازشر شد. همین اشاره سبب شد تا طرفداران چاوشی، احتمالاً بدون اشاره او، به صفحه همسر خواننده معروف بروند و با بیان انتقادهای تند از خواننده محبوب‌شان دفاع کنند. این اما همه ماجرا نبود و محسن چاوشی هم که معمولاً کمتر وارد این حواشی می‌شود، این بار دو واکنش نشان داد. ابتدا در صفحه رسمی تلگرامش این گونه نوشت: «از حق علی نمی‌گذرم... محسن» و سپس تصویری از پست مهندس حامدی را در اینستاگرامش منتشر کرد و این متن که در پاسخ به پست او نوشته بود را به اشتراک گذاشت: «تعفن! راجحه تخمیر است

که قهقهه زنان می‌بچد

به مشام و جیب‌های بی‌گناه

و البته بیچاره گوش‌های عریده‌خواه

تعفن!

کج‌فهمی است و رروخوانی

و هیجان لحظه‌ای دیده شدن

و البته شنیده شدن

غیر جغرافیای بد مست پُرعریده

و کفش‌های طلا یادمان باشد

آن دو جفت، دوازده اعدامی بود

زیر پای شما به عربستان.

اگر طلاست نعلین تان،

ما هنوز رخت‌مان عزاست

به سبزی و نان زنده‌ایم

البته بدون بی‌خندان رفسنجان.

عریده‌نکش شیهه‌ما!

کمی آرام بیغیان

بیا اینجا

و کمی مزه کن پوست شیر را

کمی بخوان و اندکی گوش باش

جای نوشیدن و چرخیدن.

من از تو داغ‌ترم

ادای داغ در نکن

که شمشیر ذوالفقار من

مست میدان است

و آماده به گردن کشان

جیب‌بران

و عریده کشان...

و البته

یاد عریده‌کشی دیگر افتادم متعارف

همان که پشیمان است

«مثل سگ»

و افتخار می‌کند

به کاپاره

و شهامت تهران ندارد!

یا علی...»

چاوشی در این متن به کنایه و آشکارا همسر این خواننده و خوانندگانی مانند ابی، شهرام شب‌پره، شادمهر عقیلی و عارف را مخاطب نقدها و اعتراضات خود قرار می‌دهد. اشاره چاوشی در نقد ابی، شهرام شب‌پره و شادمهر عقیلی به سفر این خوانندگان به عربستان برای حضور در جشنواره «طنپوره» است. عارف هم که سال گذشته گفته بود از خواندن درباره حضرت علی «مثل سگ» پشیمان است، مخاطب نوشته چاوشی است. البته بعدتر، عارف با انتشار پیامی سعی کرد توضیحاتی دهد و عذرخواهی و از مردم ایران دلجویی کند. اگر فکر می‌کنید که این داستان اینجا تمام شد باید بگویم اشتباه می‌کنید. همسر ابراهیم حامدی با گذاشتن تصویر جواب محسن چاوشی سعی کرد از خودش و همسرش دفاع کند و جوابیه را «سرایا خشم و غرور و بددهانی» دانسته بود. اما جالب‌ترین بخش این جوابیه به بخشی مربوط می‌شود که همسر این خواننده آورده است: «... شما ریاکارانه چند زندانی آزاد کردید و تبلیغات‌تان گوش دنیا را کر کرد، چاقوکشان کوچک‌تان که به صفحه‌ام گسیل کردید از این بزرگواری می‌نویسند نیاز به یادآوری شاعرانه نبود. ابی سالیانه زندانیان بدهکار را از طریق دوستانش آزاد می‌کند و اطمینان دارم از بازگویی‌اش در اینجا ناراحت خواهد شد.» مسابقه برای آزاد کردن زندانیان بدهکار خوب است و پسندیده، اما چرا وقتی دیگری انجام دهد ریاکارانه است و وقتی جناب همسر و آن هم از طریق دوستان انجام دهد مدح‌و است و نکو. سکانس آخر این دعوا تا زمان نوشتن این گزارش متعلق به

آنها چه کردند؟ محسن چاوشی چه گفت؟

چاوشی خوان وطن‌دار



سید مهدی موسوی تبار روزنامه‌نگار

این بار نه خبری از سرقت هنری است و نه پای خواننده آهننگ بدون اجازه در میان است. ظاهراً کسی حق کسی را هم پایمال نکرده است. همسر یک خواننده خارج‌نشین، پستی را در صفحه اینستاگرامش منتشر می‌کند و در آن به یک خواننده داخلی و اعتقاداتش توهینی می‌کند و طرفداران این خواننده داخلی به صفحه همسر آن خواننده حمله می‌کنند و پست‌های تازه‌ای منتشر می‌شود و در نهایت، این خبرها تحت‌عنوان «دعوی مهندسید و محسن» در فضای مجازی و رسانه منتشر می‌شود. اما این ظاهر قصه است. قضیه از دعوی یک خواننده مشهور با همسر یک خواننده مشهور فراتر است و مسائل دیگری مطرح است. مسائلی که آغشته به سیاست و وطن‌دوستی و کمی هم هنر است. نکته جالب اما این است که در ابتدا کسی به خواننده داخلی اعتراض می‌کند و او را حکومتی می‌نامد که احتمالاً هنوز پول‌هایی که از عربستان گرفته‌اند را کامل خرج نکرده‌اند. چاوشی متهم به سکوت در برابر کاستی‌های کشور از طرف کسانی است که در خاک سعودی‌ها و با پول آنان کنسرت داده‌اند.

زنگین دریافت کند، آزاده است و آزادی‌طلب، اما اگر خواننده‌ای در کشور خودش از اعتقاداتش حرف بزند و دفاع کند، حکومتی است و وابسته. شگفتا از این منطق! این خوانندگان چه سکوت کنند تا آخر عمرشان و چه خودشان یا همسران‌شان را وارد دعوای این چنینی کنند اما از حافظه مردم پاک نمی‌شوند. ممکن است کسانی با محسن چاوشی هم‌عقیده نباشند که ابی فقط عریده‌کشی می‌کند و نمی‌خواند اما اکثراً معتقدند که این خواننده در هشتمین دهه زندگی‌اش، پول و دلار را بر همه چیز ترجیح می‌دهد؛ بر همه چیز از اعتبارش تا محبوبیتش. شاید دیگر وقتش رسیده که طرفداران این خواننده بفهمند که سلب‌تربیت‌شان از آقای صدا به آقای دلار تبدیل شده است و بازچه‌های شده در دستان دستگاه‌های امنیتی. دیگر زمان دوقطبی داریوش-ابی گذشته است. این دوقطبی‌ها دوره‌اش گذشته و جای خود را به دوقطبی خارجی-داخلی داده است، اما عاقلان دانند که این بازی‌ها برای روی بورس ماندن است و لایغر.

آش‌شور

فقط صدای طرفداران چاوشی درنیا آمده است، از آن‌ور آب هم به وطن‌فروشی‌های خوانندگان اعتراض می‌شود. داریوش سجادی که خود مقیم آمریکاست و ظاهراً فعال سیاسی با انتشار پستی اینستاگرامی به ماجرای ابی و چاوشی واکنش نشان داده است. او در متن این پست آورده است: «... میزبانی اخیر حکام نئاندرتال ریاض از «ابی» در «طنپوره» شاخصی مهم از «پروژه شدن» این خواننده لس‌آنجلسی است که با دلاره‌های نفتی و حمایت مقرضان سلطنت‌طلب و سایپورت CIA درحال فریه شدن جهت تأثیرگذاری بر تحولات داخل ایران است. اصرار «ابی» طی سال‌های اخیر جهت خواش‌های سیاسی آن هم در فقدان ولو حدافلی از سواد سیاسی یا تحصیلات آکادمیک و برگزاری کنسرت‌های مجلل و تهیه ویدئوکلیپ‌های فوق حرفه‌ای و گران‌قیمت در کنار خواش‌هایی سیاسی و منحرف کننده واقعیت مانند «کوچه نسترن» جملگی موید آن است که «صاحبان ابی» روی «آقای پروژه» سرمایه‌گذاری سنگینی کرده‌اند...» آنقدر آش‌شور شده است که دیگر کسی نمی‌تواند آن را بدون اعتراض بخورد و صدایش هم درنیااید. امروز نوبت چاوشی است و فردا ممکن است نوبت هنرمند دیگری شود. این دست و پاهای آخر برای در بورس ماندن است. اما این بار یاد گرفتند که دوران بزین درو تمام شده است و اگر کامنتی بگذارند با پستی جواب می‌گیرند و در نهایت مجبور به عقب‌نشینی خواهند شد.

ابراهیم حامدی است و ویدئویی که گفته می‌شود مربوط به یک قرار دوستانه دو سال قبل است و عده دیگری می‌گویند مربوط به شب‌قدر امسال است. زمان ضبطش هرچه باشد زمان انتشارش بیشتر به یک عقب‌نشینی تاکتیکی می‌ماند. ابی و همسرش که رابطه خوب و نزدیکی با ساسی‌مانکن دارند با محسن چاوشی و طرفدارانش نمی‌خواهند دربیفتند و شاید اندک خردمندانی اطراف‌شان باشند که آنها را از این دعوا نهدی کنند.

ننگ‌ابی

یکی از بخش‌های متن چاوشی (که با هیچ تعریفی شعر نیست) اشاره به سفر اسفندماه خوانندگان به عربستان است؛ «و البته شنیده شدن/ غیر جغرافیای بد مست پُرعریده/ و کفش‌های طلا یادمان باشد/ آن دو جفت، دوازده اعدامی بود/ زیر پای شما به عربستان.» نیمه اسفندماه بود که خبر حضور و اجرای گروهی از خوانندگان لس‌آنجلسی در جشنواره طنپوره و تحت‌عنوان «موسیقی بدون مرز» منتشر شد. خوانندگان ایرانی در سالی خالی که گفته می‌شود نهایتاً صد نفر و به‌طور گزیده در آن نشسته بودند، روی صحنه رفتند و یکی از ضعیف‌ترین اجراهای خود را به‌نمایش گذاشتند. اجرایی که کیفیتش ظاهراً نه برای خوانندگان مهم بود و نه برای برگزارکنندگان. جشنواره زمستانی طنپوره که در شهر علا و در نزدیکی مدینه برگزار می‌شد، برای اولین بار میزبان خوانندگان ایرانی بود. گفته می‌شود که این خوانندگان برای اجرای در این جشنواره رقمی بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار دلار دریافت کرده‌اند و ابی یکی از خوانندگانی بود که برای اجرای هفت قطعه، ۷۰۰ هزار دلار دریافت کرد. اهالی موسیقی می‌گویند بخشی از این پول به دلیل نخواندن قطعه «خلیج فارس» توسط ابی بوده است. قطعه‌ای که در ایران هم خوانده شد و حتی تیتراژ پایانی یکی از فیلم‌های سینمایی داخلی بود. لکه و شاید بزرگ‌تر از این لکه ننگ هیچ‌گاه از دامن این خوانندگان پاک نخواهد شد. اجرا در محضر سعودی‌ها و به‌دعوت دارودسته بن‌سلمان که در جهان منغور هستند، قرار است با چه رقمی توجیه شود؟ خوانندگانی که درآمد کنسرت‌هایشان به‌سختی به صدهزار دلار می‌رسد شاید حق داشتند که وطن‌شان را حراج کنند برای ۶ برابر درآمدشان. حق داشتند سرزمین پدری‌شان را معامله کنند و آن را بفروشند به پول‌های عربی. عجیب اما اینجا است که این جماعت معامله‌گر، دیگران را به خشونت‌طلب و حکومتی متهم می‌کنند. به‌تعبیر اینان اگر خواننده‌ای از حکومت مخالف کشورش دلاره‌ای

چارسو

سریال موسی (ع) آماده تولید با حضور جمال شورجه



سیداحمد میرعلایی، تهیه‌کننده سریال «حضرت موسی (ع)» در گفت‌وگویی با تسنیم از آمادگی برای شروع پیش تولید و سپس تولید این سریال خبر داد. او گفت: «خوشبختانه وضعیت بیماری جمال شورجه، کارگردان سریال نسبت به گذشته بسیار بهتر شده و توانایی حضور در لوکیشن و بالای سر کار را دارد.» میرعلایی با اشاره به اینکه فیلمنامه موسی (ع) به پایان رسیده است، تأکید کرد: «برای پیگیری اتفاقات مربوط به پیش تولید با عوامل پشت دوربین و بازیگران درحال رایزنی و مذاکره و پیگیری پیش‌تولید، بستگی به شرایط کرونا و تصمیم سازمان صداوسیما دارد که در چه فصل و روزهایی کار وارد پیش تولید شود و سپس سریال موسی (ع) جلوی دوربین قرار بگیرد؛ درحالی که نگارش فیلمنامه تمام شده است.» وی درباره سلامتی کارگردان افزود: «حال جمال شورجه خوب است و توانایی حضور در سریال را دارد. درعین حال مشاورانی را درنظر داریم و درحال رایزنی و گفت‌وگو با سازمان صداوسیما می‌کنیم که بتوانیم هرچه زودتر کار را شروع کنیم، چراکه مقدمات کار و مراحل قبل از پیش تولید را به خوبی گذرانده‌ایم.»

هالیوود بول پس از ۱۰۰ تابستان تعطیل شد



دیروز چهارشنبه اعلام شد که اجرای ارکستر فیلارمونیک لس‌آنجلس به‌خاطر بحران پاندمی کرونا در مجموعه برنامه‌های فصل تابستان ۲۰۲۰ لغو می‌شود. اجراهای سالن آملی تئاتر باسابقه «هالیوود بول» واقع در هالیوود هیلز لس‌آنجلس طی ۱۰۰ تابستان گذشته هرگز بیش از دو هفته متوقف نشده است. این اولین بار است که از ۹۸ سال پیش تاکنون، آملی تئاتر قدیمی و باسابقه محله هالیوود هیلز لس‌آنجلس برنامه فصلی خود را لغو می‌کند. در ۱۰۰ تابستان گذشته، هیچ رویدادی بیش از دو هفته متوقف نشده است. انجمن فیلارمونیک لس‌آنجلس که مدیریت محل برگزاری آن را برعهده دارد، فقدان راه‌حلی برای بحران شیوع ویروس کرونا را دلیل لغو این فصل از برنامه عنوان کرد. در اعلامیه این انجمن آمده است: «در پاسخ به آخرین دستورالعمل مسئولان بهداشت عمومی و در تلاش برای محافظت از هنرمندان، مخاطبان و کارکنان از گسترش شیوع بیماری کووید-۱۹، انجمن فیلارمونیک لس‌آنجلس، فستیوال‌های فصلی سال ۲۰۲۰ را در هالیوود بول و فورد لغو می‌کند.»

آخرین وضعیت فصل سوم سریال «نون‌خ»



مهدی فرجی، تهیه‌کننده سریال‌های تلویزیونی درباره شروع به کار پروژه‌های تلویزیونی و سریال‌هایی که به دلیل کرونا متوقف شده بودند، به مهر گفت: «سیاست‌های بهداشتی، سازمان صداوسیما با پیش‌بینی لوازم ضدعفونی و استریل کردن لوکیشن‌ها اجازه داده است که تولید پروژه‌ها از سر گرفته شود.» فرجی درباره تولید «نون‌خ» به کارگردانی سعید آقاخانی که در فصل دوم قصه آن به یکباره پایان یافت نیز گفت: «فصل سوم نون‌خ درحال نگارش است، قصه تاحدی در ادامه فصل دوم است و تنها مدت زمانی از ماجراهای فصل دوم می‌گذرد.» وی در پایان درباره دیگر جزئیات فصل سوم نون‌خ و زمان کلیدخوردن آن بیان کرد: «فیلمنامه فصل سوم ۱۵ تا ۱۷ قسمت خواهد بود. هنوز زود است درباره زمان کلیدخوردن چیزی بگویم ولی امیدوارم در همین تابستان کلید بزیند.» وی درباره تولید «نیوجرسی» به کارگردانی مشترک جواد رضویان و سیامک انصاری که قرار بود پیش از اینها کلید بخورد نیز توضیح داد: «ساخت‌وساز دکورهای این سریال انجام شده و پیش‌تولید در مرحله آخر است تا سریال به‌زودی کلید بخورد.» فرجی افزود: «اکون و در شرایط فعلی که کسب‌وکارها راه افتاده است، با بالا بردن ضریب ایمنی و بهداشت و شرایط تصویربرداری ایمن، می‌توان کار را جلو برد و حداقل نگرانی‌هایی‌تان کارها را به جریان انداخت.»